

## همین حوالی

### رسم قربانی کردن بدون درد و خون‌ریزی

۳۲ مرکز عرضه دام بهداشتی ویژه عید قربان در تهران از دیروز آماده به کار شده‌اند. آنها قرار است بیش از ۳۰ هزار دام زنده را به حاجی‌هایی بدهند که همه‌ساله در این روزها، بخشی از مناسک حج خود را با ذبح دام به جا می‌آورند. موضوع اما به همین‌سادگی‌ها هم نیست؛ چراکه ادای سنت پسندیده قربانی، در سال‌های اخیر نگرانی‌هایی را هم در سطح محیط زیست کشور به وجود آورده است و اگر امروز، شهرداری تهران به استفاده از این مراکز مجاز تاکید می‌کند، پیش از هر چیز به این خاطر است که بتوان با حجم بالای ضایعات ذبح حیوان در روز عرفه و روز قربان، مواجه شد. به صورت خلاصه، هر حیوان پس از ذبح، حدود هفت کیلوگرم، ضایعاتی دارد که نمی‌توان از آن استفاده کرد. اگر فرض کنیم امسال ۳۰ هزار دام زنده در اختیار حاجی‌ها قرار بگیرد، ۲۱۰ هزار کیلو ضایعات روی دست شهر باقی می‌ماند. اما رسم قربانی کردن در این سال‌ها، آرام‌آرام تغییر کرده و دیگر به شیوه سنتی آن انجام نمی‌شود؛ چراکه در آن صورت، از میان بردن ۲۱۰ هزار کیلو ضایعات حیوانی برای شهری که به طور معمول با مشکل ذبح زباله مواجه است، کار واقعا شاقی خواهد بود. با این همه تاکید، هنوز هم هستند شهروندانی که به جاده‌های اطراف شهر می‌روند و از دام‌فروشی‌های غیرمجاز، حیوانی را برای ذبح خریداری می‌کنند؛ دام‌هایی که معلوم نیست در کویر خشک تهران چطور پرورش یافته و تا چه حد، سالم هستند. مشکل بعدی این شیوه سنتی، ذبح حیوان پیش چشم فرزندان خانواده‌هاست که براساس مطالعات روان‌شناسی، بارها درباره آن هشدارهایی داده شده است. خرید دام از مراکز تایید شده، این خوبی را دارد که گوشت حیوان به صورت آماده شده در اختیار افراد قرار می‌گیرد؛ تا با آن نذر خود را ادا کنند. البته راه‌های دیگری هم هست؛ کمیته امداد و بهزیستی استان تهران از همین حالا اعلام کرده‌اند آماده دریافت نذورات و ذبح قربانی‌ها هستند و برای این کار، بهزیستی استان تهران، یک شماره حساب ارزی ویژه هم‌وطنان خارج از کشور تدارک دیده و یک سامانه تلفنی برای آتھایی که در داخل هستند؛ اما می‌خواهند به جای ذبح حیوان، وجه آن را نقداً به حسابی بریزند که قرار است صرف کودکان بی‌سرپرست و خانواده‌های بی‌بضاعت تحت پوشش بهزیستی استان تهران شود.

# شرق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۵ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۹ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۵ • اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

### روزنامه‌فرو

فardashargh@gmail.com

### کارتون خواب

مهدی عزیزی

نابرده رنج گنج میسر نمیشود



## خطرات را نمی‌شود دور ریخت

### میکروسکوپ خصوصی من

باشد. درحالی‌که به‌عنوان یک مثال حی‌وحاضر، تنها شنیدن یکی، دو بیت اول همین ترانه با صدایی که از بازخوانی آن از سوی رضا صادقی منتشر شده و شدت بی‌رمقی و تبدیل «شور عاشقانه» آهنگ اصلی به «نالیدن»، می‌تواند برای متوقف کردن آن بازخوانی و گوش‌نزدان به بقیه آن کافی باشد. در مورد سه قطعه بی‌کلام «باران عشق»، طبعاً این مسائل در میان نبود و این قطعات می‌توانست به همان شکلی که در یادها مانده و یکی از اوج‌های زیبایی قطعات اینسترومن‌تال ساخته شده در سال‌های بعد از انقلاب را رقم زده، اجرا شود. البته حجم سازه‌های زهی به گمانم بیشتر از آنچه در ضبط خود آلبوم به کار رفته بود، این کنسرت را به لحاظ انتقال حس «دریغ» جاری در این قطعات، سرشارتر می‌کرد. اما نکته اصلی که همیشه با شنیدن هرکدام از قطعات این آلبوم به ذهنم می‌آید، باز هم تداعی شد: اینکه اگر رادیو و تلویزیون ما بابت یک صدم نوبت‌های بی‌شمار پخش این قطعات، حقوق واقعی مصنف آن را پرداخت می‌کردند، امروز ناصر چشم‌آذر بحتمل ثروتمندترین موزیسین ساکن ایران بود!

را بگیرند، اجرا می‌کرد. این می‌تواند نکته‌ای طبیعی یا دست‌کم ناگزیر باشد، اما همراهی متین مردم با ملودی و نچوگری جمعی که جای ترانه‌خوان‌های اصلی و غایب را می‌گرفت، تالار وحدت را در شب سوم شهریور به دریایی آرام از شور و ماندگاری هنر بدل کرده بود، اما حضور مانی رهنما به‌عنوان خواننده برخی از همین قطعات، در کنار وسعت ستودنی صدای او و هماهنگی نوع تحریرهایش با آنچه اصل و مبنای ترانه‌ها را شکل داده، یک ویژگی مثال‌زدنی دیگر هم داشت: اینکه او حتی بعد از اشاره بی‌اصرار چشم‌آذر مبنی بر اینکه در اجرای قطعه «سوغاتی» نیز با ارکستر همراهی کند، حد نکه داشت و دچار وسوسه خودنمایی که اغلب خواننده‌های این دوران با ادعاهای غریبشان اسیر آنند، نشد. صدایش را به‌جای صدای خواننده اصلی نگذاشت و درست مانند رضا یزدانی که حاضر نشد سال گذشته در کنسرت موزیک متن فیلم‌های مسعود کیمیایی به‌جای زنده‌یاد فرهاد مهراد بخواند، حرمت خاطرهای مردمی را حفظ کرد تا حکم «بی‌جاگزینی» آن صدا را برای هزارمین‌بار، به سهم خود امضا کرده

امیر پوریا؛ داستان فیلم «اشغال‌های دوست‌داشتنی»، ساخته یکی از بلاک‌شده‌ترین کارگردانان سینمای ایران، محسن امیریوسفی طنناز و خوش‌فریحه، این است که خانم مسنی بابت ورود ناگهانی تعدادی از تجمع‌کنندگان خرداد ۸۸ به حیاط خانه‌اش، ناچار می‌شود از ترس ورود مأموران به خانه، هرآنچه را که در پستوها و زیرزمین و خاک‌خورد‌های خانه «غیرمجاز» است، بیرون بیاورد و دور بیندازد. از همین‌جاست که نام فیلم شکل می‌گیرد؛ و بدبختانه و همچنین، تمام سوئنفاهم‌های منجر به توقیف آن. بی‌زمن (شیرین یزدانبخش) هر آلبوم قدیمی عکس‌های خانوادگی و حتی عروسی‌اش با شوهر از دنیارفته‌اش (اکبر عبدی) یا هر کاست قدیمی و خاطره‌انگیز را سربه‌نیست می‌کند. این یکی که همین حالا گفتم، با حضور در کنسرت درخشان «باران عشق» ناصر چشم‌آذر بزرگ، در جا به بادم آمد؛ اینکه او باید بسیاری از قطعات خاطره‌انگیز و بدل‌شده به خاطرات جمعی و ملی ما ایرانی‌ها را بابت اینکه در قدیم خوانده شده‌اند بدون آواز و با ارکستر استیوینی که سازه‌ها جای خنجره آدمی

### ماجرای عشق و عاشقی میدون

## راه‌حل نیشان آبی و اصغر فرهادی

این لحظه‌چی‌کار می‌کنند؟ همان کاری را می‌کنند که شخصیت اول فیلم فروشنده اصغر فرهادی می‌خواست انجام بدهد. بله. خانواده عروس خودشان دست‌به‌کار می‌شوند تا بمب را خنثی کنند. در نتیجه می‌ریزند راننده نیشان آبی را از ماشین می‌کشند پایین و تا آنجا که می‌خورده او را می‌زنند تا هم نیشان آبی خنثی شود، هم راننده متوجه شود زیرکردن مردم کار خطرناکی است. در نتیجه بابای سوфіا! تو اگر سوфіا را به من ندهی، از نیشان آبی استفاده می‌کنم. وصیت: سوфіا... این داستان واقعی است و مفصلش را من در صفحه حوادث خواندم. من این داستان را به صورت تلفنی برای بابات تعریف کردم. خندید و فکر کرد شوخی است، صدای استارت نیشان آبی که آمد، اول پشت تلفن چیغ زد، بعد فکر کنم سکنه کرد و افتاد. تو هم اگر رضایت ندهی با من ازدواج کنی، از نیشان آبی استفاده می‌کنم. فکر کردی شوخی است؟ من شهاب حسینی فیلم فروشنده نیستم‌ها، که آخرش بغض کنتم‌ها، من تا دوتقرتان را زیر نکتم، آرام نمی‌گیرم. فهمیدی یا نه؟

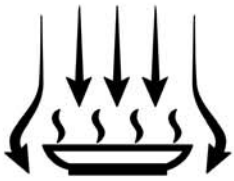
یکی از فامیل‌های داماد دیگر به وسیله کشتار جمعی رو می‌آورد. وسایل کشتار جمعی در دنیا دو نوع هستند: بمب هسته‌ای یا نیشان آبی. به دلیل برجام، فامیل داماد سمت مسائل هسته‌ای نمی‌روند و تصمیم می‌گیرند از نیشان آبی استفاده کنند. می‌نشینند پشت نیشان آبی و استارت و کلاچ و دنده‌یک و گاز و دنده‌دو و دنده‌سه و به سمت مواضع دشمن حمله. مواضع دشمن منتها فامیل عروس محسوب می‌شدند. نیشان آبی می‌رود که همه را زیر بگیرد که متأسفانه فامیل عروس در می‌روند. یک پیرمردی بوده که چون پیر بوده و توی زندگی خودش را آماده نکرده بوده که از دست نیشان آبی فرار کند، جا می‌ماند. اگر نظر پیرمرد مرحوم را بخواهیم، خواهد گفت عزرائیل شبیه نیشان آبی است، خلاصه نیشان آبی بعد از زیرکردن پیرمرد به صورت هوشمند به سمت باقی فامیل عروس می‌رود که طبق اخبار واصله تنها توانسته است سه نفر را زیر بگیرد که البته نیشان آبی چون خسته شده بوده، قدرت جان‌گیری‌اش کم شده و فقط زده آن سه نفر را آتش‌ولاش کرده که الان بیمارستان هستند. پیرمرد مرحوم هم که قبرستان است، خانواده عروس اما در

بوری‌عالمی؛ چندوقت پیش توی ماهدشت کرج عروسی می‌گیرند و بریزوپیاش و همه آمده بودند وسط و یک‌ریز، ریز می‌آمدند و یک‌سری هم با آبکش آب آورده بودند و پاشان سُر خورده بود و ریخته بود روی میهمان‌ها و بخشی از میهمان‌ها آبکی شده بودند و دو نفر این حیاط و اون حیاط می‌ریختند نقل و نبات و در انتها هم عروس و داماد، عاشق‌های تازه‌کار، هم می‌روند خانه بخت که خوشبخت بشوند، منتها الان همه بدبخت شدند. چطوری؟ این‌طوری که بعد از مدتی عروس و داماد بینشان شکر آب می‌شود و مثل هر آدم تمدنی که عقلش می‌رسد می‌روند و مثل آدم از هم جدا می‌شوند، اما تحمل این جدایی از جداشدن خاک ایران در ترکمانچای برای خانواده عروس و داماد، سخت‌تر بوده، یعنی اگر آن‌موقع مردم این‌طوری و مثل خانواده عروس و داماد از طلاق شاک می‌شدند، ترکمانچای هوا بود. خلاصه بین خانواده عروس و داماد دعوا می‌شود و همدیگر را مرتب فحش‌کاری و اگر دست می‌داد چوب‌کاری می‌کردند. کار از چوب می‌گذرد و کلانتری می‌آید وسط که سوا کند، توی همین لحظات باشکوه بوده گویا که

# سامسونگ

## SAMSUNG

# برشته و آبدار



### با فن آوری HOTBLAST (دمیدن هوای داغ)

### مرکز آموزش آشپزی سامسونگ

برگزاری کلاس‌های آموزش تخصصی آشپزی با فر و مایکروفر

تلفن: ۰۲-۰۳۰۱۳۰۰۶۷۰۰

شرکت در کلاس آشپزی به صورت رایگان می‌باشد.



### سامی ۶

فقط با ضمانت **سام**  
۰۲۱-۸۲۵۵ سرویس